



Examining the Sanction of the Rights of the Disabled in the Light of the Good and the Bad

Masoud Hasanabadi¹ 

1. Department of Public Law, Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: One of the important issues that is considered as a subset of human rights and has great importance in the domestic and even international legal system is the rights of people with disabilities and more importantly, the provision of its sanction. Because the establishment of legal rules without the sanction, in practice, the implementation or non-implementation of those rules depends on the conscience and moral commitment of the people and causes the change of legal rules to moral rules. On the other hand, one of the progressive principles of the Iranian constitution is the eighth principle, in which the important issue of enjoining what is good and forbidding what is evil is discussed as one of the most important examples of social supervision of the society and the mutual duty of the people and the officials towards each other has been considered. In addition, the importance and position of this divine duty in Islam and Islamic societies to improve the social health of the society is not hidden from anyone and many Quranic verses and narrations from the infallible imams have been expressed in order to explain the importance of this rule. Therefore, with the aim of using all the legal capacities of the country in order to guarantee the rights of the disabled, in this research, the sanction of the rights of these people has been investigated in the light of what is good and what is forbidden.

Method: This writing has been prepared using a descriptive-analytical method and its contents have been collected in the form of a library.

Ethical Considerations: All ethical considerations have been observed in this writing and the contents and sources have been expressed based on the principles of honesty and trustworthiness.

Results: The investigations showed that due to the high capacity of enjoining the good and forbidding the evil, effective scientific and practical measures, as well as the support of all the elements of the society, should be used from this binding sharia-legal norm in order to solve all social issues, including Guaranteeing the rights of the disabled requires determining the role of each of the elements of society, including the people and the executive, legislative and judicial officials, as well as the religious and academic elites and before that, the conceptual scope of this rule should be described and explained.

Conclusion: If according to the needs of the society, a correct definition of what is good and what is forbidden is done and based on it, the examples (known) of which one of them is the implementation of the rights of the disabled and the examples (negative) are also disregard and It is a violation of these rights and based on that, the necessary executive and judicial institutions have been created and the role of each institution such as education, higher education, seminary and university elites and even the jurist can be seen to guarantee the rights of the disabled and as a result, the realization The status of these rights became more favorable in the society.

Keywords: Commanding the Good; The Rights of People with Disabilities; Social Supervision; Social Responsibility; Sanction

Corresponding Author: Masoud Hasanabadi; **Email:** m.hasanabady@gmail.com

Received: April 26, 2023; **Accepted:** October 09, 2023; **Published Online:** November 26, 2023

Please cite this article as:

Hasanabadi M. Examining the Sanction of the Rights of the Disabled in the Light of the Good and the Bad. *Medical Law Journal*. 2022; 16(Special Issue on Legal Developments): e43.



انجمن علمی حقوق پزشکی ایران

مجله حقوق پزشکی

دوره شانزدهم، ویژه‌نامه تحولات حقوقی، ۱۴۰۱

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>

انجمن علمی حقوق سلامت

بررسی ضمانت اجرای حقوق معلولان در پرتو امر به معروف و نهی از منکر

مسعود حسن‌آبادی^۱

۱. گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: یکی از مسائل مهمی که زیرمجموعه حقوق بشری محسوب شده و دارای اهمیت فراوانی در نظام حقوقی داخلی و حتی بین‌المللی می‌باشد، حقوق افراد دارای معلولیت و مهم‌تر از آن پیش‌بینی ضمانت اجرای آن است، چراکه وضع قواعد حقوقی بدون ضمانت اجرا، عملاً اجرا یا عدم اجرای آن قواعد را به وجدان و تعهد اخلاقی افراد وابسته ساخته و باعث تغییر قواعد حقوقی به قواعد اخلاقی می‌گردد. از طرف دیگر یکی از اصول مترقی قانون اساسی ایران، اصل هشتم است که در آن به موضوع مهم امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یکی از مهم‌ترین مصادیق نظارت‌های اجتماعی جامعه پرداخته شده و وظیفه متقابل مردم و مسئولین نسبت به یک دیگر محسوب شده است، به علاوه اهمیت و جایگاه این فریضه الهی در اسلام و جوامع اسلامی جهت ارتقای سلامت اجتماعی جامعه نیز بر هیچ کس پوشیده نیست و آیات قرآنی و روایات فراوانی از ائمه معصومین در راستای تبیین اهمیت این قاعده، بیان شده است، لذا با هدف استفاده از تمام ظرفیت‌های حقوقی کشور در جهت تضمین حقوق معلولان، در این پژوهش به بررسی ضمانت اجرای حقوق این افراد در پرتو امر به معروف و نهی از منکر پرداخته شده است.

روش: این نوشته به روش توصیفی - تحلیلی تهیه و به صورت کتابخانه‌ای به جمع‌آوری مطالب آن پرداخته شده است.

ملاحظات اخلاقی: کلیه ملاحظات اخلاقی در این نوشته رعایت شده و با تکیه بر اصول صداقت و امانتداری به بیان مطالب و منابع آن‌ها پرداخته شده است.

یافته‌ها: بررسی‌ها نشان داد با توجه به ظرفیت بالای امر به معروف و نهی از منکر باید با اقدامات علمی و عملی مؤثر و همچنین استمداد از کلیه ارکان جامعه، از این هنجار الزام‌آور شرعی - حقوقی در راستای حل کلیه مسائل اجتماعی، از جمله تضمین حقوق معلولان استفاده نمود که مستلزم تعیین نقش هر یک از ارکان جامعه اعم از مردم و مسئولان اجرایی، تقنینی و قضایی و همچنین نخبگان دینی و دانشگاهی است و مقدم بر آن، باید گستره مفهومی این قاعده، تشریح و تبیین گردد.

نتیجه‌گیری: چنانچه مطابق با نیازهای روز جامعه باز تعریف درستی از امر به معروف و نهی از منکر انجام شده و مبتنی بر آن، مصادیق (معروف) که یکی از آن‌ها بی‌شک اجرای حقوق معلولان است و از مصادیق (منکر) نیز بی‌توجهی و نقض این حقوق است و بر اساس آن نهادهای اجرایی و قضایی لازم ایجاد شده و نقش هر یک از نهادها مانند آموزش و پرورش، آموزش عالی، نخبگان حوزوی و دانشگاهی و حتی ولی فقیه نیز مشخص شود، می‌توان شاهد تضمین حقوق معلولان و در نتیجه، تحقق وضعیت مطلوب‌تر این حقوق در جامعه گردید.

واژگان کلیدی: امر به معروف؛ حقوق افراد دارای معلولیت؛ نظارت اجتماعی؛ مسئولیت اجتماعی؛ ضمانت اجرا

نویسنده مسئول: مسعود حسن‌آبادی؛ پست الکترونیک: m.hasanabady@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۱۷؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۹/۰۵

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Hasanabadi M. Examining the Sanction of the Rights of the Disabled in the Light of the Good and the Bad. Medical Law Journal. 2022; 16(Special Issue on Legal Developments): e43.

مقدمه

حقوقی که در هر جامعه برای افراد تعیین می‌شود متناسب با فرهنگ هر اجتماع متفاوت است و افراد دارای معلولیت نیز به عنوان عضوی از اجتماع به دلیل نارسایی‌های جسمی و گاه ذهنی خود متناسب با فرهنگ هر جامعه از حقوق و امتیازاتی در جامعه منتفع گردیده و در مواردی نیز از حقوق و فرصت‌های برابر با دیگران محروم می‌گردند که برای رفع این محرومیت باید به علل و عوامل مؤثر در این زمینه پرداخته شود و پس از ریشه‌یابی آن علل و عوامل، زمینه‌های بهره‌مندی از حقوق و فرصت‌های برابر برای افراد را گسترش داده و از تداوم محرومیت‌ها جلوگیری به عمل آید. یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین بسترهای موجود در زمینه اجرای حقوق افراد دارای معلولیت، مردم جامعه هستند که دارای تأثیر مستقیم و غیر مستقیمی در زمینه اجرای قوانین مربوطه هستند. این موضوع دور از ذهن نیست که مهم‌ترین گزینه برای اجرای قوی‌ترین یا ضعیف‌ترین قانون، وجود افرادی است که بدان عمل کنند و ایجاد اجتماع‌یست که مردم آن هم عامل به قوانین و هنجارهای حقوقی باشند و هم طالب اجرای آن‌ها در سطح جامعه باشند. اجرای قوانین مربوط به حقوق افراد دارای معلولیت در جامعه نیز مستلزم ایجاد سازوکارها و امکانات لازم در این زمینه است که تا هم از طرف مسئولین و هم از طرف آحاد جامعه به صورت نهادینه شده تضمین گردد. سؤالی که در این پژوهش به دنبال پاسخ به آن هستیم، آن است که چگونه می‌توان از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های امر به معروف و نهی از منکر در زمینه تضمین حقوق معلولان استفاده نمود؟ به نظر می‌رسد با توجه به اینکه هم در متون اسلامی و هم در اصل هشتم قانون اساسی ایران موضوع مهم امر به معروف و نهی از منکر را به عنوان وظیفه‌ای همگانی بیان نموده، می‌توان با تبیین دقیق، علمی و متناسب با نیاز روز این مفاهیم دینی و قانونی و استفاده از قابلیت‌های کم‌نظیر آن‌ها و تبیین مصادیق این مفاهیم توسط نخبگان حوزوی و دانشگاهی مبتنی بر وضعیت کنونی جامعه، در زمینه ضمانت اجرای حقوق افراد دارای معلولیت نیز تحولی عظیم ایجاد نمود و زمینه اجرای هرچه

بیشتر این حقوق را فراهم آورد، البته تاکنون پژوهش‌های متعددی در زمینه امر به معروف و نهی از منکر صورت گرفته و ابعاد مختلف آن مورد کنکاش قرار گرفته است، ولی در زمینه ظرفیت‌های این فریضه اسلامی که جزء نظام حقوقی ما نیز آمده است، در راستای تضمین و احقاق حقوق افراد دارای معلولیت پژوهشی صورت نگرفته است. آنچه باعث ضرورت انجام این نوشته شده است، لزوم استفاده از تمامی ظرفیت‌های موجود در نظام حقوقی کشور در راستای تضمین و مطلوب‌سازی احقاق حقوق افراد دارای معلولیت است. هدف از انجام این تحقیق آن است که هم به بیان مفهوم متحول و متنوع امر به معروف و نهی از منکر و مصادیق مبتنی بر نیاز روز آن بپردازیم و هم از قابلیت کم‌نظیر آن در راستای تضمین حقوق معلولان استفاده کرده و زمینه ارتقای حقوق این افراد را با استفاده از این فریضه ایجاد نماییم.

روش

در این نوشته برآنیم که با روش توصیفی - تحلیلی و به صورت کتابخانه‌ای به بررسی ضمانت اجرای حقوق معلولان در پرتو فریضه امر به معروف و نهی از منکر در پنج قسمت بپردازیم.

یافته‌ها

۱. امر به معروف و نهی از منکر

۱-۱. معنای لغوی و اصطلاحی امر به معروف و نهی از منکر: در معنای لغوی امر و نهی، می‌توان گفت امر به معنای «طلب فرد بالادست از فرودست برای انجام کاری» و «نهی اظهار کراهت از چیزی» است، البته باید توجه داشت که مفهوم آنچه به عنوان امر به معروف و نهی از منکر بیان می‌شود، دقیقاً با معنای لغوی آن یکسان نیست. در واقع دعوتی که به همراه درخواست برای انجام کاری باشد، چه آن طرف از نظر مقامی بالاتر یا پایین‌تر از فرد امر قرار گیرد، شریعه خداوند است که انجام آن از هر امر دیگری واجب‌تر و مهم‌تر می‌باشد. نهی نیز از باب منع وارد شده و انسان را از زشتی‌ها و پلشتی‌ها برحذر می‌دارد و در تلاش است تا نگاه اشتباه فرد را از عملی

برابر اجتماعی که در آن زندگی می‌کند نیز متعهد و مسئول می‌باشد (۸). خداوند متعال دلیل رشد یک جامعه را امر به معروف و نهی از منکر دانسته و از طرفی نبود کسانی که راه درست را از غلط به یک قوم و ملت بیاموزد، راز تباهی آن جامعه می‌داند (و مردان و زنان مؤمن همه یاور و دوستدار یکدیگرند، خلق را به کار نیکو وادار و از کار زشت منع می‌کنند و نماز به پا می‌دارند و زکات می‌دهند و حکم خدا و رسول او را اطاعت می‌کنند، آنان را البته خدا مشمول رحمت خود خواهد گردانید که خدا صاحب اقتدار و درست کردار است) (۹).

جایگاه امر به معروف و نهی از منکر برای تمامی مسلمانان یعنی شیعه و سنی، تثبیت شده و مورد قبول است و در تمامی کتب فقهی آنان به این موضوع اشاره مستقیم شده است؛ همان‌گونه که امام سجاد (ع) می‌فرمایند: «آنکه امر به معروف و نهی از منکر را ترک می‌کند، همچون کسی است که کتاب خدا را پشت سر انداخته است» (۱۰).

در بعضی از آیات قرآن کریم، به صراحت و در بعضی دیگر نیز به صورت غیر مستقیم از مردم خواسته شده تا این دو موضوع مهم را مد نظر قرار دهند و باعث گسترش آن در جامعه شوند (۱۱).

تقدم این دو فریضه اساسی و مهم، نشان از آن دارد که پروردگار، دین مبین اسلام را برای گسترش و تبلیغ خوبی‌ها و از بین بردن زشتی‌ها پدید آورده است و نه صرفاً ایمان و عبادت انفرادی که به تنهایی راه به جایی نمی‌برد.

در آیه ۱۰۴ سوره آل عمران نیز از رستگاران عالم بشریت سخن به میان می‌آید و دو مورد از شاخصه‌های آنان را انجام امر به معروف و نهی از منکر می‌داند (باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آن‌ها همان رستگارانند) (۹). همچنین در قرآن برای توصیف مؤمنان و بیان ویژگی‌های آنان، پس از نماز و زکات، امر به معروف و نهی از منکر را بیان می‌دارد و آنان را هم‌سطح با هم در نظر می‌گیرد (همان کسانی که هرگاه در زمین به آن‌ها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و امر

قبح برانگیز دور بدارد) (۱). آنچه که از این تفاسیر می‌توان برداشت کرد، در واقع بدین‌صورت است که معروف و منکر جزئی از زندگی بشر و آن چیزی است که تمامی انسان‌ها با آن دست به‌گریبان‌اند.

لازمه اجرای صحیح امر به معروف و نهی از منکر که در واقع یک نظارت عمومی بر جامعه است، شناخت و آگاهی کامل و دقیق از فریضه امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد (۲). برای اجرای قانون الهی امر به معروف و نهی از منکر، باید از دید فردی و گروهی به آن نگریست. به این صورت که مرحله فردی این وظیفه همگانی در وسعت محدودتری انجام می‌شود و باعث به وقوع پیوستن مرحله گروهی آن در بعد وسیع‌تر آن می‌شود. در واقع «امر به معروف و نهی از منکر یک حق اولیه و طبیعی و فطری و وجدانی و عقلی و شرعی است که ناشی از پیوند سرنوشت‌ها و روح زندگی اجتماعی بشر می‌باشد» (۳). بنابراین لازم است که تمام افراد جامعه به اهمیت این امر مهم دست یابند و ابتدا آن را در ذهن خود و سپس در بستر خانواده و جامعه، به وسعت جهانی به منصفه ظهور برسانند.

۱-۲. امر به معروف و نهی از منکر در اسلام: در قرآن کریم، آیات فراوانی در مورد فریضه امر به معروف و نهی از منکر و واجب بودن آن برای عموم افراد نازل شده است. خداوند در قرآن، همانند سایر راهگشایی‌ها و بیان بهترین روش‌ها برای تمامی موضوعات اجتماعی، فردی و... پیرامون این فریضه مهم نیز بهترین راه را نشان داده است (۴) و نکته مهم اینکه این فریضه را تکلیف گروهی خاص یا صرفاً دولت یا مردم هر جامعه ندانسته است.

آخرین کتاب الهی ۳ اصل عدالت، امر به معروف و نهی از منکر را به عنوان عوامل تکامل اجتماع بیان نموده است (۵).

شریعت اسلام که بر پایه «فطرت» و «خلقت» قرار گرفته، احکام خود را بر مبنای این دو اصل مهم، یعنی امر به معروف و نهی از منکر قرار داده است (۶). یکی از مهم‌ترین موارد فروع دین نیز همین ۲ مورد است که زندگی انسان‌ها را از زوال و نابودی به سعادت، هدایت می‌کند (۷). بر اساس احکام اسلامی، انسان صرفاً در برابر خداوند پاسخگو نبوده، بلکه در

احقاق حقوق افراد دارای معلولیت به عنوان بخش قابل توجهی از جامعه می‌باشد.

نظارت همگانی و کنترل مردم نسبت به عملکرد مدیران و حاکمان، جامعه را به سمت رسیدن به اهداف خود رهنمون می‌سازد و راه را بر کسانی که قوانین را زیر پا می‌گذارند و از آنان سرپیچی می‌کنند، می‌بندد. امر به معروف و نهی از منکر با ایجاد مسئولیتی همگانی در جهت نظارت بر تمامی امور، سلامت جامعه را تضمین کرده و از کج‌روی‌های افراد جامعه به صورت فردی و اجتماعی جلوگیری می‌کند (۱۳).

یکی از جلوه‌های این نظارت که با حساسیت و اقدام همگانی نمود پیدا می‌کند، احقاق حقوق معلولان است، چه در زمینه ایجاد و وضع قوانین و مقررات لازم در این زمینه که می‌تواند با پیشنهاد و پیگیری آحاد جامعه صورت گرفته، چه در زمینه اجرای درست و کامل قوانین مرتبط با این افراد که باید با نظارت همگانی صورت بگیرد. انجام عمل نیک در یک جامعه، اثرات مثبتی را برای همگان به دنبال خواهد داشت و همچنین اگر کار بدی تحقق پذیرد، بر زندگی تمامی افراد آن جامعه اثر منفی خواهد گذاشت. پس دور از ذهن نیست که نظارت همگانی که با عمل امر به معروف و نهی از منکر به تکامل می‌رسد، می‌تواند یک جامعه را از لبه تیز فساد و ظلم نجات دهد و آن را به سعادت برساند.

موضوع دیگر که می‌توان در این زمینه بررسی کرد، پاسخ‌خواهی و پاسخگویی اجتماعی می‌باشد. پاسخگویی که به دنبال پاسخ‌خواهی به وجود می‌آید، می‌تواند سنگ بنای مدیریتی نوین و کم‌خطا را بنیان نهد، به گونه‌ای که میزان اثرگذاری پاسخ‌خواهی به حدی است که جامعه را از سقوط ناشی از عدم رعایت قوانین و بایدها و نبایدها نجات داده و به شفافیت در تمامی زمینه‌ها برساند. این عمل مهم نیازمند خودباوری، اعتماد به نفس، آگاهی از حقوق، عدم ترس از برخورد قاطع و بسیاری دیگر از اصول اساسی می‌شود که باعث احقاق حق برای تمامی آحاد جامعه به خصوص افرادی که نیاز به حمایت بیشتر جامعه دارند، خواهد شد (۱۴). این موضوع، زمینه آگاهی تمامی افراد در مورد موضوعات اساسی جامعه که با آن دست به گریبان بوده و از واجبات زندگی روزمره آن‌ها می‌باشد،

به معروف و نهی از منکر می‌کنند و پایان همه کارها از آن خداست! (۹).

قرآن کریم که ارزشمندترین امانت پروردگار بر روی زمین می‌باشد، همواره به بهترین شکل و برای تمامی زمان‌ها برنامه‌ای جامع و کاربردی ارائه کرده است که انسان خردمند می‌تواند درستی و نادرستی را از هم تشخیص دهد. این دو آموزه دینی، می‌توانند شروعی برای آموزش درست و حفظ ارزش‌ها در یک جامعه باشند. از این رو باید گفت که امر به معروف و نهی از منکر می‌تواند مبلغی برای فرهنگ‌آفرینی و کسب آگاهی در زمینه‌های درست باشد و سبب دستیابی به والاترین هدف خود، یعنی حفظ اعتدال در یک جامعه گردد. اعتدال، دستاورد رعایت قوانین و در نظر گرفتن حقوق تمامی افراد می‌باشد و می‌تواند نویدی برای زندگی آرام و آسایش فراگیر آحاد جامعه باشد.

۱-۳. نقش و کارکرد امر به معروف و نهی از منکر: امر به معروف و نهی از منکر که یکی از اصولی‌ترین و بنیادی‌ترین اوامر دین اسلام می‌باشد، یک جامعه را از هرج و مرج و آشوب نجات داده و به آن جامعه استحکام بخشیده و باعث پیشرفت آن می‌گردد و با پایه‌گذاری فرهنگی مناسب برای شرکت عموم مردم در مسائل جامعه و ایجاد حس مسئولیت همگانی، باعث رعایت حقوق تمامی شهروندان در آن جامعه می‌شود (۱۱). همچنین بنا به فرمایش حضرت علی (ع) در حکمت ۳۱ نهج‌البلاغه، امر به معروف سبب نیرومندی پشتوانه مؤمنان می‌شود (۱۲).

امر به معروف و نهی از منکر که باعث ایجاد فضایی برای نظارت همگانی افراد می‌شود و به تقویت مسئولیت و نظارت اجتماعی می‌انجامد، سبب «پایبندی به اهداف و جلوگیری از انحراف از آن‌ها»، «ایجاد هم‌نوایی در اجتماع» و در نهایت «پیشبرد بهتر امور» می‌شود که یکی از اهداف بسیار مهم اجتماعی، ایجاد عدالت اجتماعی بین آحاد جامعه، از جمله افراد دارای معلولیت می‌باشد و یکی از امور مهمی که باید در دستور کار همه دولت‌ها و مورد نظارت ملت‌ها قرار گیرد،

۱-۴. امر به معروف و نهی از منکر در قانون اساسی ایران: آنچه باعث می‌شود که یک اصل و قانون در یک جامعه شکل بگیرد، نیاز همگانی افراد نسبت به یک موضوع خاص می‌باشد. حضور گسترده مردم در زمینه نظارت و کنترل جامعه جزء لاینفک زندگی بشر است. از این رو قانون اساسی ایران نیز بدان روی آورده است (۲).

در اصل هشتم قانون اساسی به موضوع بسیار مهم دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر پرداخته شده است (در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند: «والمؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر» (۹).

در اصل فوق‌الذکر معنای دولت چه در جایی که وظیفه امر و نهی مردم را دارد و چه در جایی که مورد امر و نهی مردم واقع می‌شود، شامل کلیه مقامات قوای سه‌گانه و نهادها و ارگان‌های دولتی که به هر نحو حق اعمال حاکمیت را دارند، از جمله شوراها، نهادهای عمومی غیر دولتی و حتی مقام معظم رهبری نیز می‌گردد و منظور از (دولت) در این اصل، هیأت حاکمه می‌باشد. به عبارت دیگر مفهوم عام (دولت) در اصل هشتم قانون اساسی مد نظر مقنن اساسی بوده است.

از نظر قانون اساسی، دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر، تکلیف است نه حق. بنابراین نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کرد یا در اجرای آن تساهل و تسامح نشان داد. همچنین عمومیت امر و نهی‌شوندگان و مصادیق امر و نهی را نیز می‌توان از این قانون استنتاج کرد (۱۶).

دلیل اصلی در نظرگرفتن این اصل در قانون اساسی، تفاوت عمده انقلاب اسلامی با حکومت پیشین شاهنشاهی است، چراکه امر به معروف و نهی از منکر باید در قانون آورده شود و در میان مردم به وجود بیاید، به گونه‌ای که مردم کشور ایران بتوانند آزادانه معروف را فریاد بزنند و در مقابل منکر مقاومت کنند (۱۷). به دیگر سخن، یکی از جلوه‌های بارز مشارکت

آگاه شوند و درصدد حل مشکلات ناشی از کم‌کاری‌ها و سهل‌انگاری‌ها برآیند. پاسخ‌خواهی از مسئولانی که وظیفه رفع مشکلات اقشار جامعه، به خصوص افراد دارای معلولیت را دارند، سبب می‌شود که ناملایماتی که ناشی از عدم توجه به این افراد ایجاد می‌شود، رفع شده و در نهایت افراد ذی‌حق به کلیه حقوق اجتماعی خود که حق مسلم آنان می‌باشد، دست یابند، البته نظارتی سودمند خواهد بود که هم توسط مردم و نهادهای مردم‌نهاد قابل انجام بوده و هم دارای ضمانت اجرا باشد. به عنوان مثال امکان نظارت بر قوانین مرتبط با معلولان، هرچند با وجود نقایصی در ماده ۳۱ قانون حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت (در راستای تحقق مفاد این قانون و با هدف نهایی اعمال نظارت عالی بر حسن اجرای کلیه قوانین معطوف به افراد دارای معلولیت یا اثرگذار بر زندگی آنان، کمیته هماهنگی و نظارت بر اجرای این قانون در زیرمجموعه شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی با ترکیب زیر تشکیل می‌شود...) پیش‌بینی شده است، ولی این نظارت، فاقد ضمانت اجرا مؤثر می‌باشد و شاید صرفاً بتوان از تبصره ۳ ماده مذکور، ضمانت اجرای افکار عمومی را برداشت نمود.

مهم‌ترین نتیجه اجرای امر به معروف، تأمین امنیت، نظم، عدالت و موفقیت در شؤون مختلف اجتماعی، از جمله اقتصاد، سیاست و فرهنگ می‌باشد و تحقق آن ضامن اجرای قوانین اسلامی می‌باشد (۱۵).

با توجه به موارد بیان‌شده می‌توان به اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در تمامی مسائل اجتماعی جامعه به ویژه مطلوب سازی حقوق افراد معلول به عنوان بخش قابل توجه و البته نیازمند حمایت حقوقی پی برد. همچنین از نگاهی دیگر، امر به معروف و نهی از منکر را می‌توان یاری‌دهنده اصلی قوانین مرتبط با افراد دارای معلولیت دانست که هرچه بهتر و کامل‌تر در جامعه اجرا شوند می‌تواند اجرای کلیه قوانین در جامعه در همه زمینه‌ها و به تبع آن‌ها نظم و عدالت را در سرتاسر جامعه به همراه داشته باشد و می‌تواند به عنوان اصول و ابزارهای مترقی در راستای تحقق کلیه اهداف عالی اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد.

حقوقی، سیاسی و اجتماعی مردم در جامعه اسلامی ایران، امر به معروف و نهی از منکر است که در اصل هشتم قانون اساسی پیش‌بینی شده است (۱۸) و از جمله نظارت‌های اجتماعی و همگانی قوی در تضمین هنجارها و جلوگیری از ناهنجاری‌ها محسوب می‌شود. بنابراین باید توجه شود که امر به معروف و نهی از منکر برای ملت است و باید در جامعه همچون یک قانون و هنجار بسیار مهم به آن عمل شود تا نتایج آن بی‌شک شامل همه افراد جامعه گردد.

۲. ارائه الگوی مطلوب تضمین حقوق معلولان در پرتو امر به معروف و نهی از منکر: با توجه به مطالب ذکر شده و آیات و روایاتی که در راستای درک بهتر فریضه امر به معروف و نهی از منکر بیان گردید، این‌گونه به نظر می‌رسد که این فریضه الهی که در قالب یک دستور اجتماعی و عام‌الشمولی که بر بشر امر شده، دارای جایگاه ویژه‌ای است که با اجرای آن از تضييع حقوق فردی و اجتماعی افراد جلوگیری شده و به تبع آن حقوق افراد دارای معلولیت نیز در جامعه کمتر مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرد.

چراکه به فرموده امام باقر (ع) در سایه امر به معروف، سایر فرایض و بایدها اجرا شده و حقوق پایمال شده، به صاحبانشان بازمی‌گردد (۱۹). به همین منظور برآنیم تا با ارائه چند پیشنهاد در جهت نهادینه‌کردن و اجرای بهتر این فریضه الهی در راستای مطلوب‌سازی وضعیت کنونی احقاق حقوق افراد دارای معلولیت، تحولات عمیقی را در این زمینه ایجاد نماییم تا شاید جامعه‌ای بهتر و حتی در سطوح بالاتر، جهانی بهتر را در این زمینه، تجربه کنیم و از ظرفیت این دستور الهی نیز در راستای ضمانت محکم و مؤثر در زمینه اجرای حقوق این افراد استفاده نماییم.

۲-۱. تشریح گستره مفهومی و مصداقی امر به معروف و نهی از منکر با تأکید بر حقوق افراد دارای معلولیت: آنچه در گام نخست به نظر می‌رسد که باید در مورد این فریضه گرانقدر (امر به معروف و نهی از منکر) مورد توجه قرار گیرد، بحث بازننگری و نگاهی نو به مفهوم این امر است، چنانکه در مطالب فوق ذکر شد، این فریضه برای امر کردن به هر نیکی و

بازداشتن یا نهی کردن از هر بدی مقرر شده است، اما در جامعه و عرف ما این‌گونه آموزش داده نشده و جایگاه شایسته خود را پیدا نکرده است. باید این نکته را مد نظر قرار داد که این فریضه الهی، صرفاً برای برخی از امور مذهبی خاص تعریف نشده است و باید با وسعت نگاه و تفکر ژرف متولیان امر، مفهوم واقعی این اقیانوس بیکران، بر اساس نیازهای روز جامعه مشخص گردیده و به مردم نیز آموزش داده شود و طیف عظیمی از جامعه را برای انجام این فریضه مهم بسیج نماید. به بیان دیگر به روزنمودن مصادیق این فریضه، کلید حل بسیاری از مسائل مهم جامعه محسوب می‌شود. بدیهی است با انجام چنین اقداماتی که باعث آگاهی مردم و مسئولان جامعه از گستره این مفهوم شده و تبیین و تشریح این نکته که حقوق افراد دارای معلولیت نیز جزء گستره وسیع (معروف) قرار گرفته و بالعکس آن نیز صادق است و تضييع حقوق این افراد نیز جزء مفهوم (منکر) قرار می‌گیرد، می‌توان شاهد اعتلا و ارتقای هرچه بیشتر حقوق این افراد در جامعه اسلامی ایران باشیم. به عنوان مثال باید آموزش‌های لازم صورت گیرد تا چنانچه مردم شهر شاهد ایجاد بنایی با کاربری عمومی هستند که برای افراد دارای معلولیت مناسب‌سازی نشده و در نتیجه آن، حق دسترس‌پذیری آسان به این ساختمان از این افراد سلب شده باید این مقوله مهم را به مسئولین امر به صورت گسترده اطلاع دهند و به مناسب‌سازی فضاها و اماکن عمومی، به عنوان یکی از مصادیق معروف امر کرده و با تذکرات صحیح و به موقع خود از تضييع حقوق افراد معلولی که به دلیل معلولیت نمی‌توانند در این ساختمان وارد شوند، به عنوان منکر نهی صورت گیرد و در صورت عدم توجه نهادهای ذی‌ربط، امکان پیگیری از سوی خود مردم در نهادهای قضایی به ویژه دادستانی‌ها وجود داشته باشد. در زمینه سایر حقوق افراد دارای معلولیت نیز می‌توان با همین رویکرد از ظرفیت وسیع امر به معروف و نهی از منکر استفاده نمود، البته در زمینه کلیه مسائل مربوط به جامعه و حتی اجرای طرح‌ها و پروژه‌های ملی و محلی نیز می‌توان از ظرفیت بالای این فریضه دینی - اجتماعی استفاده نمود؛ نمونه این استفاده از مشارکت اجتماعی مردم مبتنی بر این قاعده، امکان‌سنجی ارائه پیشنهاد

آن‌ها به دانش‌آموزان و دانشجویان که آینده‌سازان جامعه و مسئولین، مجریان و تأثیرگذاران آینده مملکت هستند، زمینه و زیرساخت اجرای حقوق این افراد را در جامعه ایجاد نمود.

۲-۲. شیوه‌های تضمین حقوق افراد دارای معلولیت در پرتو امر به معروف و نهی از منکر: برای آنکه بتوانیم به فریضه امر به معروف و نهی از منکر در همه زمینه‌ها تحقق بخشیم، ابتدا باید مراکز دینی و علمی، با توجه به نیازهای روز اجتماع، بازتعریفی از این فرمان الهی انجام دهند و سپس تحقیقات بنیادی خود در این زمینه را به صورت گسترده آغاز کنند و پس از آن با پرورش نیروهای کارآمد جهت تبیین این بحث به کلیه افراد جامعه، هدف خود را دنبال کنند و در این مورد از تمامی ظرفیت‌های آموزشی و فرهنگی، مانند مراکز آموزشی، مساجد و فرهنگسراها و رسانه‌ها به خصوص صدا و سیما استفاده نمایند.

چراکه طبق نظریه مسئولیت اجتماعی، رسانه‌ها هم حق انتقاد از مسئولین را دارند و هم در قبال منافع و مصالح ملی و پاسخ به نیازهای روز جامعه دارند که رشد و تعالی جامعه، از مهم‌ترین جوامع محسوب می‌شود و صدا و سیما در این زمینه نیز مسئول می‌باشد (۲۰). به نظر می‌رسد اگر در رسانه‌ها به ویژه رسانه ملی، برای مردم به طور دقیق موضوع امر به معروف و نهی از منکر و تمام اثرات و جوانب این دستور الهی تبیین شده و با نگاهی علمی و دینی این موضوع بررسی و تشریح گردد، خواهیم دید که این آموزش همگانی تأثیر خود را بر اجرای این فریضه در راستای حل بسیاری از مسائل اجتماعی خواهد گذاشت. چنانچه مردم از ظرفیت‌های این فریضه آگاه شوند و مصادیق این امر در زمینه‌های مختلف به طور شفاف و دقیق برایشان تبیین گردد و میزان کاربرد این هنجار حقوقی و شرعی در کلیه مسائل اجتماعی برایشان تا میزان این فریضه می‌تواند در همه سطوح و مسائل اجتماعی کاربرد داشته باشد و با اجرای صحیح و ضابطه‌مند آن، نقش نظارتی و حمایتی خودشان نیز در جامعه بالا می‌رود و می‌تواند از بروز مشکلات اجتماعی و نابسامانی‌های اقتصادی جلوگیری نمایند، قطعاً از آن حمایت و در راستای اجرای آن تلاش

در اجرای طرح‌هایی است که در شهرها و روستاها انجام می‌شود. به نظر نگارنده، اگر اجراکنندگان این پروژه‌ها مانند شهرداری‌ها به نحوی مردم را در جریان آن طرح قرار دهند و مردم نیز امکان اظهار نظر در زمینه آن را داشته باشند می‌توان از انجام هزینه‌های غیر مولد و بی‌فایده و به خصوص انجام دوباره کاری‌ها در این‌گونه موارد جلوگیری شود. به عبارت دیگر با ایجاد زمینه‌های آموزشی و فرهنگی مناسب و همچنین تعبیه سازوکارهای لازم جهت اجرای صحیح و ضابطه‌مند این فریضه در جامعه، می‌توان به جای اعمال نظارت‌های پسینی نهادهای ناظر، از نظارت پیشین و فعال آحاد جامعه در این زمینه بهره برد. به نظر می‌رسد همین اقدام یعنی تشریح و تبیین گستره مفهومی و مصداقی امر به معروف بر اساس نیازهای روز جامعه به دلیل آگاهی‌بخشی به آحاد مردم و افزایش حس مطالبه‌گری عموم ملت به ویژه خود افراد دارای معلولیت می‌تواند تضمین‌کننده حقوق آن‌ها باشد. لازم به ذکر است اجرای سایر پیشنهادات مطروحه، مستلزم انجام دقیق و صحیح این اقدام، یعنی تشریح گستره مفهومی امر به معروف و نهی از منکر مبتنی بر نیاز روز اجتماع است. با توجه به اهمیت موضوع و در راستای اجرای ماده ۱۰ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر (وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان بسیج مستضعفین، شهرداری‌ها و سایر نهادها و دستگاه‌های فرهنگی مکلفند شرایط اقامه امر به معروف و نهی از منکر و بالابردن سطح آگاهی‌های عمومی در این خصوص را از طریق آموزش و اطلاع‌رسانی فراهم کنند).

به عنوان یک راهکار علمی و عملی روشن می‌توان دروس خاصی در مقاطع مختلف تحصیلی از ابتدایی تا دبیرستان برای تبیین این تکلیف شرعی و قانونی برای نظام آموزشی تعریف کرد و با فرهنگ‌سازی و نهادینه کردن موضوع معلولیت و آشناساختن کلیه محصلین در مقاطع مختلف و در قالب دروسی مانند مهارت‌های زندگی و یا حتی دروس دینی با افراد دارای معلولیت و شناساندن افراد معلول و قابلیت‌های

وضع خواهد شد. در واقع اگر اعمال امر به معروف و نهی از منکر یک امر دوطرفه باشد و علاوه بر دولت که بر مردم اعمال قانون می‌کند، مردم نیز بتوانند با شفافیت و قاطعیت بیشتر نظارت خود را بر دولت انجام دهند و حتی به ارائه نقطه نظرات خود در زمینه لوایح و طرح‌های قانونی بپردازند، خواهیم دید که شرایط موجود، بهبود یافته و مردم‌سالاری دینی مطرح‌شده در قانون اساسی نیز به اجرا درخواهد آمد، البته ایجاد ساختار و سازوکار مناسب برای انجام این امر نیز ضروری بوده که وظیفه دولت محسوب می‌شود.

در بخش فرهنگ‌سازی نیز این مقوله که همه در یک کشتی زندگی می‌کنیم و اعمالی که باعث انحطاط جامعه ما می‌شود، به عموم افراد جامعه مربوط است باید توسط صدا و سیما و ارگان‌های آموزشی دیگر و نخبگان حوزوی و دانشگاهی به شکل یک فرهنگ درآید و این حس خیرخواهی عمومی تقویت شود و آموزش مؤثر در این زمینه داده شود، لذا لازم است نحوه و موارد تذکر و جایگاه این فریضه و سایر موارد لازم در این زمینه، در یک مجموعه آموزشی به کلیه افراد جامعه از سنین پایین آموزش داده شود تا این امر در میان مردم نهادینه شود و ضلع سوم این امر، یعنی رابطه مردم با مردم نیز شکل گیرد. تبعاً وقتی امر به معروف و نهی از منکر در ابعاد گسترده و سطوح مختلف به نحو صحیح و توسط افراد آموزش دیده اجرایی شود، حقوق افراد دارای معلولیت نیز مشمول این موضوع مهم شده و هم دولت و هم مردم وظیفه خود را در این زمینه می‌آموزند و تلاش لازم برای بهبود وضعیت حقوقی این افراد صورت می‌گیرد، زیرا نظارت‌ها و حمایت‌ها وسیع‌تر و در سطوح مختلف انجام می‌گیرد. بنابراین هم کارها با سرعت بیشتر و کیفیت بهتر انجام می‌شود و هم جامعه به جایگاه مطلوب خود دست می‌یابد.

همچنین مبتنی بر شیوه‌های موجود در کشور یکی از مهم‌ترین آسیب‌های جدی این حوزه عدم وجود نهادی اجرایی و البته تعقیب‌کننده برای پیگیری و اعمال این مهم در جامعه است، اگرچه قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر ستادهای شهرستانی، استانی (موضوع ماده ۲۰ قانون یادشده) و ستاد مرکزی امر به معروف و نهی از منکر (موضوع

می‌کنند. بدیهی است یکی از مهم‌ترین حقوق اجتماعی که ذیل عناوین حقوق بشر نیز گنجانده می‌شود، حقوق افراد دارای معلولیت است که در پرتو اجرای صحیح امر به معروف و نهی از منکر می‌تواند در جامعه اسلامی ایران ارتقا یابد. علاوه بر این، ایجاد تشکیلات لازم نیز می‌تواند در تضمین حقوق معلولان در پرتو امر به معروف و نهی از منکر گام مؤثری محسوب شود که نقش هر کدام را به اختصار و اختصاص، بیان می‌کنیم.

۲-۱-۲. نقش تشکیلات قضایی و غیر قضایی در اجرای

امر به معروف و نهی از منکر در راستای تضمین حقوق معلولان: در جوامع اسلامی نیز مانند سایر جوامع نظام‌مند دنیا، نقش و تأثیر کنترل‌ها و نظارت‌های غیر رسمی کاهش یافته و اصلاح رفتاری با استمداد از امور اخلاقی کارایی کمتری دارد. در مقابل افزایش نقش نظارت‌های سازمانی و رسمی و تعلقات تشکیلاتی افزایش یافته است. در همین راستا، روش امر به معروف نیز از ساده به پیچیده و از انفرادی به روش سازمانی و قانون‌مدار تغییر یافته است (۲۱). این روش دارای نقاط قوتی، از جمله امکان پرسشگری و پاسخگویی و داشتن پشتوانه اجتماعی می‌باشد (۲۱).

لذا ایجاد برخی تشکیلات خاص می‌تواند نقش تأثیرگذاری در زمینه اجرای امر به معروف در راستای تحقق حقوق اجتماعی و شهروندی به ویژه حقوق افراد دارای معلولیت داشته باشد. یکی از پیشنهاداتی که در این زمینه می‌توان مطرح نمود، آن است که دفتر هیأت دولت یا دفتر ریاست جمهوری و یا اداره قوانین مجلس با راه‌اندازی یک سایت تخصصی، نظرات، انتقادات و پیشنهادات مردم را در همه مسائل دریافت و پس از آن به ارگان‌های مربوط در هر زمینه گزارش دهند و نظارت کامل را از طرف مردم و قانون بر اجرای هرچه بهتر و سریع‌تر این انتقادات و پیشنهادات داشته باشند. حال اگر همین فعالیت در زمینه حقوق افراد دارای معلولیت و بهبود وضعیت اجتماعی آن‌ها نیز انجام شود، خواهیم دید که چگونه عدل و انصاف اجتماعی در زمینه اقشار مختلف اجتماع به ویژه معلولان به اجرا درخواهد آمد و قوانین تخصصی و کارا نیز

ماده ۱۹ قانون اخیرالذکر) را پیش‌بینی کرده است، اما با توجه به اینکه وظیفه و صلاحیت این ستادها چارچوب‌گذاری و مقرررگذاری است رکنی اجرایی و البته فعال لازم است تا این موضوع را پیگیری نماید. با توجه به وظایف و صلاحیت‌های دادستانی‌ها می‌توان پیشنهاد تشکیل دادستانی خاص این موضوع را در بدنه قوه قضاییه مطرح کرد تا از این رهگذر ضمن پیگیری اجرای مصوبات ستادهای امر به معروف و نهی از منکر موجبات اجرای این تکلیف شرعی و قانونی را فراهم آورد. طبعاً با تبیین گستره دامنه شمول امر به معروف و نهی از منکر مبتنی بر نیاز روز جامعه به نحوی که احقاق حقوق افراد دارای معلولیت مانند ایجاد فرصت مناسب اشتغال معلولان، مناسب‌سازی کلیه محیط‌های فیزیکی و مجازی، ایجاد امکانات رفاهی و معیشتی این افراد و... نیز به عنوان مصادیق معروف و ایجاد مانع در احقاق هر یک از حقوق افراد دارای معلولیت از قبیل ممانعت از ثبت نام در مراکز آموزشی، جلوگیری از دستیابی به شغل یا جایگاه خاص، ایجاد تبعیض‌های ناروا در برخورداری افراد معلول از حقوق و تسهیلات اجتماعی و... را به عنوان مصادیق منکر تبیین و تشریح نمایند. این اقدام متعالی، می‌تواند گامی مؤثر در زمینه تضمین حقوق معلولان محسوب گردد.

۲-۲-۲. نقش نخبگان دانشگاهی در راستای تضمین حقوق افراد دارای معلولیت در پرتو امر به معروف و نهی

از منکر: نخبگان و اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها که به عنوان بخش فرهیخته و فرهنگی جامعه شناخته می‌شوند، بیشتر نخبگان دانشگاهی و دانشجویان را می‌توانند تحت آموزش خود قرار دهند و در واقع بیشترین بخش قلمرو آن‌ها را دانشگاه‌ها و عناصر مرتبط با آن دربر می‌گیرد، هرچند که باید با تدابیر گسترده و یافتن زبان مشترک با عامه مردم ارتباط خود را با این توده وسیع نیز حفظ کنند. حال این نخبگان با توجه به روح جستجوگر و تحقیق‌گرایانه‌ای که بر مراکز علمی حاکم است می‌توانند ابتدا از لحاظ علمی به تبیین و تفسیر و توجیه خود فریضه دعوت به خیر و اثرات آن به زبان علمی بپردازند و در گام بعد به تعریف و تبیین حقوق

افراد معلول و و شیوه‌های عملیاتی جهت اجرای آن پرداخته و با یافتن زبانی ساده و ارائه راهکارهایی مؤثر در راستای انتقال این مفاهیم به عامه مردم نیز تلاش نمایند، به علاوه اینکه باید با اتخاذ تدابیر لازم، موضوعات مرتبط با کلیه حقوق اجتماعی افراد دارای معلولیت اعم از حق حضور مؤثر در اجتماع، نحوه برخورد صحیح اجتماع با این افراد، حقوق شهروندی، فرهنگی و سیاسی آن‌ها که به عنوان مصادیق بارز کارهای شایسته و نیکو و درست زندگی می‌باشد، در قالب واحدهای آموزشی دانشگاهی به دانشجویان و حتی دانش‌آموزان مدارس نیز آموزش داده شود. یقیناً انجام آموزش‌های لازم می‌تواند کارکرد مهمی را در عمل به همراه داشته باشند و افراد آموزش‌دیده و آگاه را وارد جامعه نماید که یکی از نتایج آن در زمینه معلولین، احقاق حقوق آن‌ها می‌باشد. مثلاً افرادی که در مدارس و دانشگاه‌ها در این زمینه آموزش‌های لازم و کافی دیده‌اند اگر مسؤولیت سیاسی یا اجتماعی را به عهده گیرند، بنا به هر دلیلی شرایط تضییع ابعاد مختلف حقوق معلولین را ایجاد نمی‌نمایند. به عنوان نمونه، اگر فرهنگ‌سازی درست از طریق آموزش‌های لازم به نمایندگان مجلس داده شده بود، در بند ششم ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس، شرط سلامت بینایی، شنوایی و گویایی را جزء شرایط لازم برای نمایندگی مجلس ذکر نمی‌کردند و باعث محرومیت افراد نابینا و ناشنوا از داوطلبی نمایندگی مجلس در ادوار مختلف و در نتیجه تضییع حقوق سیاسی این افراد نمی‌گردیدند (البته این مسأله تا حد زیادی در اصلاحات قانون انتخابات مجلس مصوب ۱۴۰۲/۵/۱ تغییر کرد و در بند ۷ ماده ۳۲، شرط سلامت جسمانی و روانی در حدی که توان متعارف انجام وظایف نمایندگی را داشته باشد، جایگزین آن گردید). همچنین اگر اعضای شورای نگهبان نیز در این زمینه آموزش دیده بودند، این مصوبه مجلس را که خلاف اصول ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی و اصول شرعی و اسلامی مانند عدالت و برابری است را تأیید نمی‌کردند.

۲-۲-۳. نقش نخبگان دینی در تضمین حقوق افراد دارای معلولیت در پرتو امر به معروف و نهی از منکر:

دسته‌ای دیگر از نخبگان جامعه نیز هستند که به علت برخورداری از پایگاه دینی نزد عامه مردم به خصوص، جامعه دینی، از اعتبار بیشتری برخوردار هستند و تحت عنوان نخبگان دینی قرار می‌گیرند که همان روحانیون و طلاب حوزوی می‌باشند. از آنجایی که بافت جامعه مردم کشور ما جامعه دینی و مذهبی محسوب می‌شود، این افراد می‌توانند در آموزش و دادن آگاهی‌های لازم به مردم در زمینه‌های مختلف اجتماعی نقش تأثیرگذار و به سزایی داشته باشند، حتی می‌توانند با اتصال مردم به نخبگان دانشگاهی حلقه مفقوده این جریان را پر کنند، البته ایفای چنین نقشی مستلزم آن است که حوزه‌های علمیه نگاهی جدید و البته وسیع و مبتکرانه به برخی احکام و مسائل به ویژه فریضه امر به معروف و نهی از منکر داشته باشند و در زمینه فعالیت اجتماعی و به روزرسانی مطالب دینی و پاسخگویی به نیازهای زندگی جدید، اقدامات جدی انجام دهند. یقیناً اگر موضوع حقوق افراد دارای معلولیت مبتنی بر قواعد شرعی و اجتماعی، توسط نخبگان مذهبی جامعه، جزء مصادیق معروف قرار گرفته و این مسأله توسط ستاد امر به معروف در راستای اجرای وظایف پیش‌بینی شده در ماده ۱۶ قانون (ماده ۱۶: ستاد امر به معروف و نهی از منکر که در این قانون ستاد نامیده می‌شود، عهده‌دار وظایف زیر است: ۱- تعیین سیاست‌ها و خط مشی‌های اساسی در زمینه ترویج و اجرای امر به معروف و نهی از منکر و پیشنهاد آن به مبادی ذی‌ربط...؛ ۷- تدوین راهبردهای آموزشی برای سطوح مختلف جامعه؛ ۸- آموزش و پژوهش و تحقیق در زمینه امر به معروف و نهی از منکر و ترویج گسترش فرهنگ آن...)، به خصوص بندهای ۱، ۷ و ۸ آن تبیین گردد و نهاد مذکور بتواند نقش نظارتی خود را در همه امور و ارگان‌ها و نهادها و حتی در برخی مسائل مانند فرهنگ‌سازی صحیح، بر مردم انجام دهد، بی‌شک اصل ۸ قانون اساسی به عنوان یکی از اصول مترقی که به این فریضه اشاره کرده است، بهتر و در درجات بالاتری به اجرا درآمده و کارایی بیشتری خواهد داشت.

به طور مثال نگاه جدید و باز تعریف نوینی از این فریضه برای فراگیران علوم حوزوی می‌تواند آن را از حالت بالقوه به بالفعل تبدیل نماید و در زمینه حل مسائل روز اجتماعی و دعوت مردم در امور پسندیده و فعال کردن روحیه نیک‌خواهی مردم در زمینه‌های گوناگون به کار گرفته شود. به عنوان نمونه اگر همین نیروهای آگاه جهت آموزش مردم برای پاره‌ای از مسائل اجتماعی مانند احقاق حقوق افراد دارای معلولیت تحت عنوان دعوت به خیر یا امر به معروف به مراکز مذهبی، از جمله مساجد به عنوان پایگاه دینی مسلمانان راه یابند یا در سخنرانی‌ها به تبیین مصادیق این مفهوم بپردازند خواهیم دید با تعریفی درست از امر به معروف و نهی از منکر و آگاه کردن مردم از این فریضه الهی می‌تواند برخی مسائل اجتماعی را تحت این عنوان بیان و مردم را آگاه سازند که یکی از این مسائل می‌تواند احقاق حقوق افراد معلول و شناساندن شأن و منزلت و توانایی آنان در جامعه باشد. به این ترتیب از این فریضه و امر شارع مقدس در جهت آگاهی‌دادن و حل یک مسأله اجتماعی روز استفاده شده است که همین آگاهی بخشی می‌تواند به صورت بنیادین، زمینه مطالبه‌گری را فراهم کرده و باعث تضمین حقوق افراد دارای معلولیت گردد. در نتیجه به عنوان مثال اشتغال این افراد در بخش خصوصی که مورد حمایت قانونگذار نیز واقع شده می‌تواند با دعوت خود مردم از صاحبان کار، محقق شود و یکی از مهم‌ترین معضلات اجتماعی معلولان حل شود.

علاوه بر موارد مذکور در ادامه، به نقش دو گروه از تأثیرگذارترین نخبگان حوزوی، یعنی ائمه جمعه و ولی فقیه را تبیین و تشریح می‌نماییم.

۲-۲-۴. نقش ائمه جمعه در تضمین حقوق معلولان در

پرتو امر به معروف و نهی از منکر: یکی دیگر از سطوحی که دانش‌آموختگان حوزه‌های علمیه که در عرصه سیاست نیز فعالیت دارند، می‌توانند در آن به خوبی ایفای نقش نمایند، خطبه‌های نماز جمعه است که ائمه جمعه می‌توانند از طریق آن به صورت مناسبی یا بر حسب نیاز، مردم را به سوی اعمال پسندیده و مورد نیاز جامعه دعوت نمایند که به طور

تأثیرپذیر و تأثیرگذار حوزه علمیه، ولی فقیه جامعه است که هم تحصیلاتش را در حوزه‌های علمیه گذرانده و از این باب از حوزه تأثیر پذیرفته و هم در مقام ایفای نقش و جایگاه خود می‌تواند بر آن تأثیر فراوان داشته باشد، ولی فقیه نیز به عنوان شخص اول دینی و سیاسی کشور یکی دیگر از این سطوح نخبگان حوزوی است و باید توجه داشت که امر به معروف و نهی از منکر ایشان به عنوان بالاترین مقام دینی و قانونی در کشور و جامعه اسلامی در ضمن سخنرانی‌ها و بیانات ایشان در زمینه‌های مختلف همیشه کارگشا و راهنما برای خواص و عوام بوده است. حال اگر در زمینه افراد دارای معلولیت نیز ایشان به عنوان یک عنصر تأثیرگذار و دارای پایگاه دینی و سیاسی خاص، با استفاده از نفوذ کلام بالای خود مردم را در این موضوع مهم، آگاه کنند و نکات لازم را به مردم و مسئولین گوشزد نمایند، خواهیم دید که نور امیدی برای این قشر از جامعه خواهد بود و می‌تواند باعث ایجاد تحول عظیمی در زمینه جایگاه و حقوق این افراد در جامعه گردیده و تضمین محکمی برای حقوق افراد دارای معلولیت محسوب گردد، البته باید به این مسأله توجه داشت که شخصی همچون ولی فقیه که یک شخصیت بزرگ و دارای قدرت است قطعاً حوزه نفوذ بالاتری نیز نسبت به رده‌های دیگر نخبگان دینی دارد. بنابراین ایشان می‌توانند سخنان خود را در دو سطح متفاوت و با دو دسته مخاطب ایراد کنند. یکی از این سطوح خواص و مسئولین نظام هستند که قدرت هنجارگذاری و اجرایی بیشتری دارند و دیگری عوام و مردم عادی هستند که از قدرت اجتماعی مؤثری برخوردارند. یقیناً تأثیرگذاری کلام رهنمودهای رهبری جامعه می‌تواند ضمانت اجرای مؤثری برای حقوق افراد دارای معلولیت باشد و حتی وضع قوانین و مقررات خلاف دستورات ایشان توسط مجلس و یا عدم اطاعت مسئولین امر در این زمینه می‌تواند هم از بعد شرعی و هم از بعد قانونی (اصل ۵۷ ق.ا.) واجد اثر حقوقی در کشور بوده و مورد پیگرد قرار گرفته شود که همین مسأله، اهمیت انجام فریضه امر به معروف توسط رهبری در زمینه حقوق معلولان را دوچندان می‌نماید، چراکه شورای نگهبان مصوبات مجلس را

خاص می‌توان به بحث افراد دارای معلولیت، حقوقشان و نوع برخورد جامعه با آنان اشاره کرد. به نظر نگارنده، چنانچه در چنین برنامه عبادی سیاسی مهم به این امر مهم اشاره شود، بی‌شک تأثیر خود را خواهد گذاشت و در احقاق حق این افراد گام مؤثری برداشته می‌شود، چراکه در نماز با شکوه جمعه، علاوه بر عموم افراد جامعه، اکثریت مسؤولین نیز حضور دارند و رویکردهای ائمه جمعه در هر شهر و استان، به خصوص با وجود نفوذ و قدرت تأثیرگذاری بالای این افراد در حوزه اجتماعی مربوط به خود، می‌تواند در اقدامات مسؤولین آن شهر و استان نیز مؤثر واقع شود. توضیح آنکه مباحث مربوط به حقوق افراد دارای معلولیت هم به جهت داشتن ریشه‌های مذهبی در خطبه اول قابل تبیین بوده، هم به دلیل ارتباط مستقیم آن با حقوق بشر و سیاست‌های کشور، می‌توان در خطبه دوم به بررسی آن پرداخت.

البته ائمه جمعه می‌توانند به بیان خطابه‌های خود در دو سطح متفاوت پرداخته و هم مسئولین را متوجه وظایفشان در قبال معلولین، حقوق آن‌ها و موارد مرتبط با آن نمایند و آن‌ها را نسبت به هرگونه ترک فعل در این زمینه بر حذر دارند و هم در بخش دیگر خطبه، با بیان مطالبی مردم را از نقش و وظایف اجتماعیشان در زمینه احقاق حقوق افراد دارای معلولیت آگاه کرده و آحاد ملت را نیز به عامل تضمین‌کننده حقوق این افراد تبدیل نمایند، چراکه اولاً مسؤولین فعلی، مردم سابق هستند و این اقدام، یعنی انجام اقدامات فرهنگی نسبت به عامه مردم جامعه، باعث سرمایه‌گذاری اجتماعی بلندمدت بر آن‌ها می‌گردد. از سوی دیگر بعضی از مسائل مانند اشتغال معلولان در بخش خصوصی نیز باید به دست خود مردمی که کارفرمای بخش خصوصی هستند، حل شود و بیان این مسائل می‌تواند باعث آگاهی آن‌ها از نقش اجتماعی خود و توجه بیشتر به حقوق معلولان گردد. به علاوه، نفوذ کلام ائمه جمعه به ویژه برای مسئولین هر منطقه می‌تواند دستیابی به مقصود را تسریع بخشد.

۲-۲-۵. نقش ولی فقیه در تضمین حقوق معلولان در پرتو امر به معروف و نهی از منکر: از مهم‌ترین عناصر

معلولیت در سال ۲۰۰۶ تصویب شده و ایران نیز از طریق الحاق به آن پیوسته است. آنچه بیش از وضع قواعد حمایتی برای این افراد واجد اهمیت می‌باشد، پیش‌بینی ضمانت‌های اجرایی محکم برای اجرای این حقوق است که در این زمینه باید از کلیه سازوکارها و ظرفیت‌های نظام حقوقی کشور به نحو مطلوبی استفاده نمود. یکی از هنجارهای الزام‌آوری که هم جنبه شرعی داشته و هم مقنن اساسی، به تأسی از آن در اصل هشتم قانون اساسی نیز بیان نموده است، امر به معروف و نهی از منکر است. برای استفاده از قابلیت‌ها و ظرفیت‌های کم‌نظیر اصل هشتم قانون اساسی به ویژه بخش مسئولیت اجتماعی در قالب امر به معروف و نهی از منکر ابتدا باید با نگاهی نو و بر مبنای نیازهای روز اجتماع، به اصول عالی‌ه اسلامی مذکور توجه نمود و از تعاریف و مصادیق سنتی آن فاصله گرفت تا بتوان به رفع بسیاری از مشکلات روز جامعه پرداخت و پس از آن تبیین نمود که بی‌شک اجرای حقوق افراد دارای معلولیت نیز یکی از مصادیق بارز این مفهوم در جامعه امروز محسوب می‌شود، چراکه تضييع حقوق این افراد می‌تواند به عنوان ظلم به گروه قابل توجهی از افراد جامعه محسوب‌شده و جزء مصادیق (منکر) در معنای واقعی کلمه باشد، به علاوه تبیین این مصادیق باید در قالب دروس آموزشی به دانش‌آموزان و یا واحدهای درسی به دانشجویان ارائه گردد که می‌تواند از مهم‌ترین سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت اجتماعی در این زمینه محسوب شود.

در زمینه ظرفیت امر به معروف در راستای احقاق حقوق افراد دارای معلولیت، مبتنی بر تحقیقات و بررسی‌های به عمل آمده و پس از تعیین مصادیق مبتنی بر وقایع اجتماعی روز این اصول، باید از نخبگان جامعه اعم از نخبگان حوزوی و دانشگاهی خواست تا علاوه بر تشریح گستره نامحدود این اقیانوس بیکران، مردم را نیز از آثار مفید آن آگاه نمایند و در این زمینه به فرهنگ‌سازی بپردازند. همچنین آموزش و پرورش، وزارت علوم و صدا و سیما نیز باید به مخاطبین خود آموزش‌های لازم را چه در زمینه این اصل مترقی اسلامی چه در زمینه مصادیق آن که یکی از موارد مهم آن حقوق افراد دارای معلولیت است، ارائه داده و در این زمینه به تولید محتوا

که خلاف فرامین ولی فقیه باشد، طبق اصل اخیرالذکر قانون اساسی تأیید نکرده و عدم اطاعت مسئولان از فرامین ایشان نیز می‌تواند باعث سابقه عدم التزام عملی به قانون اساسی و اصل ولایت فقیه برای آن‌ها محسوب گردد. این اقدام می‌تواند در سخنرانی‌های مناسبتی مانند روز جهانی معلولان و خطبه‌های نماز جمعه و یا سایر سخنرانی‌ها انجام شود. همچنین ایشان در سخنان خود تحت عنوان امر به معروف می‌توانند به بخش خصوصی هم در این زمینه توصیه‌هایی بنمایند و در راهنمایی و جهت‌دهی به این بخش فعال و تأثیرگذار جامعه ایفای نقش نمایند.

همچنین در همین زمینه ولی فقیه در راستای ایفای نقش حساس و مهم خود و تعیین نام‌ها و شعارهای سالانه (۲۲) خود می‌توانند با توجه به اهمیت بالای این موضوع، یکی از سال‌ها را با عناوین مرتبط با افراد دارای معلولیت نامگذاری نمایند که یقیناً هم از بعد داخلی و هم از بعد بین‌المللی حائز اهمیت فراوانی خواهد بود و جلوه مناسبی از کشور ایران در زمینه حقوق افراد دارای معلولیت در سطح جهان نشان خواهد داد و از همه مهم‌تر، باعث ایجاد جهت‌دهی و جریان‌سازی مثبت در این زمینه در کشور می‌گردد. به علاوه با توجه به اهمیت موضوع حقوق افراد دارای معلولیت در سطح داخلی و خارجی، تعیین سیاست‌های کلی نظام توسط رهبری بعد از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز در این زمینه می‌تواند به نوبه خود جهت‌دهی درستی را برای مسؤولین ذی‌ربط اعم از قوه مجریه، مقننه و قضاییه ایجاد نماید که به اقتضای رعایت موضوع نوشته، از پرداختن به تفصیل آن خودداری می‌نماییم.

بحث

یکی از موضوعات مهم اجتماعی امروز جامعه، وضع و اجرای حقوق افراد دارای معلولیت می‌باشد که هم از بعد داخلی و هم از بعد بین‌المللی حائز اهمیت بوده و علیرغم تلاش‌های صورت‌گرفته، باز هم عملاً مغفول واقع شده و خواسته یا ناخواسته زیر پا گذاشته شده و باعث تضييع حقوق این افراد گردیده است. به ویژه که کنوانسیون حقوق افراد دارای

جامعه پرداخته و دستورات لازم را انشا نمایند. بدیهی است این اقدام در تصویب هنجارهای حقوقی لازم‌الاجرا نیز تأثیر فراوان داشته و می‌تواند واجد شدیدترین و قوی‌ترین تضمین برای حقوق افراد دارای معلولیت محسوب گردد. همچنین ایشان با داشتن جایگاه سیاسی و مذهبی، می‌توانند در قالب سیاست‌های کلی نظام و حتی تعیین شعارهای سالانه، موضوع حقوق افراد دارای معلولیت را برای مسئولین و مردم پررنگ کرده و با کمک اختیارات و اقتدارات خود در جامعه، به ارتقای جایگاه این افراد و حقوق مکتسبه آن‌ها در جامعه اسلامی بپردازد. یقیناً جهت‌دهی ایشان به این موضوع می‌تواند باعث تأثیرپذیری نمایندگان مجلس و دولت شده و زمینه پیشنهاد قوانین لازم‌الاجرا را در قالب طرح‌ها و لوایح به همراه داشته باشد.

نتیجه‌گیری

امر به معروف و نهی از منکر به عنوان فریضه شرعی - حقوقی از ظرفیت کم‌نظیری جهت اصلاح ابعاد مختلف، از جمله ارتقای حقوق افراد دارای معلولیت برخوردار می‌باشد که چنانچه بر اساس اقتضائات و نیازهای روز، باز تعریفی از آن ارائه شده و از مفهوم سنتی آن فراتر رود و به صورت گسترده و ساختارمدار در جامعه اجرا شود، می‌تواند دستاوردهای کم‌نظیری را برای آحاد مردم به ویژه افراد دارای معلولیت به عنوان بزرگ‌ترین اقلیت جامعه به همراه داشته باشد.

مشارکت نویسندگان

مسعود حسن‌آبادی تمامی مراحل پژوهش را به انجام رسانده و ضمن تأیید نسخه نهایی، مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته است.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

بپردازند. ایجاد تشکیلات لازم نیز در انجام قاعده‌مند و هدفمند این فریضه تأثیر فراوانی دارد. به عنوان مثال طراحی سایتی برای کلیه نهادهای ذی‌ربط مانند هیأت دولت، مجلس و حتی نهادهایی مانند شهرداری‌ها که از لحاظ عملی و اجرایی مستقیماً با حقوق افراد دارای معلولیت سروکار دارند، جهت ارائه پیشنهادات مردم و بیان ایرادات طرح‌ها و پروژه‌های در حال اجرا در زمینه مناسب‌سازی برای این افراد و یا مصوبات در حال بررسی می‌تواند از دوباره‌کاری‌های بی‌مورد که می‌تواند به تضييع حقوق بیت‌المال منجر شود، جلوگیری نماید، به علاوه تشکیل نهاد دادستانی امر به معروف نیز پس از تشریح گستره این مفهوم و تبیین مصادیق دقیق آن می‌تواند به عنوان ابزار نظارت فعال بر اجرای کامل‌تر این فریضه مهم سیاسی - اجتماعی تأثیر فراوان داشته و با تبیین این موضوع که حقوق افراد دارای معلولیت نیز جزء مصادیق بارز این جنبش اجتماعیست، نظارت فعال این نهاد بر دستگاه‌های ذی‌ربط در این زمینه می‌تواند راهگشا باشد. همچنین ائمه جمعه نیز به عنوان دارندگان وجهه سیاسی و دینی در هر منطقه، می‌توانند در خطبه‌های نماز جمعه، در قالب امر به معروف، هم در خطبه عبادی و هم در خطبه سیاسی، با استفاده از نفوذ کلام بالای خود، حقوق افراد دارای معلولیت را به مردم و مسئولین گوشزد نمایند و به عنوان تضمین محکمی برای حقوق معلولان محسوب گردند، البته که بخش خصوصی نیز می‌تواند از آن سخنان تأثیر پذیرفته و به نوبه خود زمینه اجرای حقوق افراد معلول به ویژه اشتغال آن‌ها در بخش خصوصی را فراهم آورد.

همچنین ولی فقیه و رهبر جامعه اسلامی نیز در تضمین حقوق معلولان دارای نقش حساس و تأثیرگذاری بوده و باعث ایجاد جهشی عظیم در زمینه حقوق افراد دارای معلولیت گردد. ولی فقیه می‌تواند به فراخور در سخنرانی‌ها و حتی به مناسبت‌های مختلف، در خلال فرامین و بیانات خود، در قالب امر به معروف، ارکان جامعه اعم از مردم و مسئولین را نسبت به این امر مهم آگاه کرده و به فراخور موضوعات مرتبط با افراد معلول در جامعه، در راستای احقاق حقوق آن‌ها به جهت‌دهی

تضاد منافع

نویسنده هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده است.

تأمین مالی

نویسنده اظهار می‌نماید که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده است.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

References

1. Talabaki A. Analytical Investigation of the Implementation of the Eighth Principle of the Constitution with a View to the National Human Rights Institution and the Institution of Accountability. Doctoral Dissertation of Public Law. Tehran: University of Tehran; 2012. p.31. [Persian]
2. Karimi M. Public Participation and Public Responsibility. Isfahan: Naghs-e Negin Publications; 2012. p.19-21, 244. [Persian]
3. Basij AR. The Principle of Commanding the Good and Forbidding Evil and Civic Rights. Marifat. 2010; 19(4): 15-30. [Persian]
4. Amini M. Investigating the Gradual Process of Commanding the Good and Forbidding Evil in the Quran. Tehran: International Congress of Islamic Sciences and Humanities; 2016. [Persian]
5. Abedzadeh A. The Necessity of Being Famous and Forbidding the Deniers in the Present Age with the Approach of the Quran and Narrative. Theological - Doctrinal Research. 2019; 9(34): 177-197. [Persian]
6. Bahonar N, Rohani MR. A Media Approach to the Analysis of Relationship between Commanding the Good and Forbidding the Evil. Journal of Culture-Communication Studies. 2014; 15(25): 115-147. [Persian]
7. Paksirat Z. The Functions of the Branches of Religion in Social Ethics (with an Emphasis on Prayer, Tuli, Tabari, Commanding the Good and Forbidding the Bad). Master's Thesis in the Field of Islamic Ethics. Tehran: Payam Noor University; 2014. p.8. [Persian]
8. Ahmadvand KH, Babaei Tabar M. The Role of Commanding the Good and Forbidding Evil in the Security of Society from a Jurisprudential Point of View. Qonun Yar International Quarterly. 2021; 5(17): 917-942. [Persian]
9. The Holy Quran. Tobeh: 71; Al Emran: 104; Haj: 41.
10. Haji Babae M. Historical Approach to the Failure of Application of Islamic Concepts in Practice Case Study: Promotion of Virtue and Prevention of Vice. CHS. 2014; 5(20): 15-38. [Persian]
11. Hosseini Ajdad SI, Rakhshandeh Nia SA. Commanding the Good and Forbidding the Evil from the Perspective of Religion and the Conditions of its Establishment. Interdisciplinary Quranic Studies. 2012; 3(2): 101-114. [Persian]
12. Imam Ali. Nahj al-Balagheh. Translated by Dashti M. Qom: Amir al-Mominin Cultural Research Institute Publishing; 2004. p.447. [Persian]
13. Zarghami I. The Basics of Public and Mutual Government Supervision in the Islamic Republic of Iran with Emphasis on the Law. Master's Thesis of Public Law. Marvdasht: Islamic Azad University; 2015. p.11-14. [Persian]
14. Talebnia GH, Rajab Dorri H, Roosta Meimandi A. Investigating the Effect of Priority of the Social Seeking Answers to Accountability in the New Public Management. Journal of Health Accounting. 2016; 4(3): 45-65. [Persian]
15. Ali Yari AM. Investigating How to Improve and Reform Society Through Commanding the Good and Forbidding Evil. Journal of Research and Studies of Islamic Sciences. 2023; 5(48): 1-15. [Persian]
16. Javan Araste H. Public and Mutual Supervision in Islamic System (An Analysis of Principle no.8 of the Constitution). Journal of Islamic Revolution Studies. 2013; 10(34): 129-144.
17. Public Relations of the Islamic Council. Annotated Version of the Deliberations of the Parliament of the Final Review of the Constitution of the Islamic Republic of Iran. Tehran: Islamic Republic of Iran; 1985. Vol.1 p.414. [Persian]
18. Hashemi SM. Iranian Constitutional Law: Sovereignty and Political Institutions. Tehran: Mizan Publications; 2013. Vol.2 p.5. [Persian]
19. Borji A. Strategies for Effective Participation of Citizens in the Realization of Citizenship Rights. Journal of Civil Rights Studies. 2021; 5(24): 443. [Persian]
20. Khosroabadi MS. The Role and Function of the Media in Fulfilling the Principle of Commanding the Good and Forbidding Evil. Journal of Research and Studies of Islamic Sciences. 2022; 4(34): 105-116. [Persian]
21. Rezaee Rad AH. The Necessity of the Organization in Commanding the Good and Forbidding the Evil. Biannual Journal of Studies of Religion, Spirituality & Management. 2021-2022; 9(17): 75-99. [Persian]
22. Parvin KH, Asadollahzadeh A. Investigation and Analysis of Jurisprudential-Legal Nature of Nowruz Messages of Supreme Leader. Journal of Jurisprudence & History of Civilization. 2022; 2(4): 68-85. [Persian]